

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(۱) شناسنامه‌ی طرح درس

۱۴- دعای باران

حوزه‌ی هدف: امامت		کد طرح درس:	
پایه: دوم دبستان	متن درسی: درس ۱۴ کتاب هدیه‌های آسمان	ماه: هفته:	مدت: ۲ جلسه
اجزای طرح درس: تعداد مراحل: (۸) فعالیت منزل: ✓ ارزشیابی: ✓ دانش‌افزایی: ✓			
وسایل مورد نیاز: کیک تولد مقوایی			
اهداف / پیامدها:			
۱. در فرایند تدریس و تا پایان آن، انتظار می‌رود دانش‌آموزان در اثر آشنایی با حواث زمان ولادت امام حسین علیه السلام، متوجه بعد الهی آن حضرت و مقام و منزلت ایشان نزد خدای متعال شوند. ۲. از طریق آشنایی با ماجرای فطرس، چگونگی عرض سلام به امام حسین علیه السلام از راه دور را یاد بگیرند و تمرین کنند. ۳. تولی نسبت به امام حسین علیه السلام و تبری نسبت به دشمنان آن حضرت در ایشان تقویت شود.			
درس در یک نگاه:			
برای آشنا شدن بیشتر بچه‌ها با امام حسین علیه السلام، بعد از بیان گوشه‌ای از وقایع زمان ولادت حضرت (جریان نامگذاری، عرض تبریک و بیان مصیبت در ولادت)، داستان فطرس و چگونگی عرض سلام به امام حسین علیه السلام طرح شده است. در کنار آن، با خواندن داستان دعای باران، به بعد الهی و مقام والای آن حضرت و لزوم محبت به امام حسین علیه السلام و تبری از دشمنان ایشان تذکر داده شده است.			
نقشه مفهومی:			
<pre> graph LR A[دین] --- B[اعتقادات] B --- C[امامت] C --- D[امام سوم، امام حسین علیه السلام] </pre>			
<pre> graph LR A[آشنایی با وقایع زمان ولادت] --- B[آشنایی با چگونگی عرض سلام به امام حسین از راه دور (داستان فطرس)] B --- C[تذکر به مقام والای ۵ تن (داستان دعای باران)] C --- D[افزایش تولی و تبری] </pre>			

(۲) مراحل اجرای طرح درس

مدت اجرا: ۵ دقیقه	محل اجرا: کلاس	مرحله: (۱) طرح ورودی
	روش اجرا: آماده سازی	مجری: مربی
این طرح درس به یک کیک تولد مقوایی نیاز دارد که طریقه درست کردن آن در CD باران موجود است. در آغاز تدریس کیک تولد را به کلاس برده و در بایی مناسب نصب کنید.		
مدت اجرا: ۵ دقیقه	محل اجرا: کلاس	مرحله: (۲)
	روش اجرا: ارائه مشارکتی	مجری: مربی
چون امروز می‌فواهم از تولد یک نفر و مایه‌های مهمی که روز تولدش اتفاق افتاد برای شما بگویم این کیک تولد را با خودم آورده‌ام. چند تا راهنمایی می‌کنم شاید بتوانید درس بنزید که منظورم چه کسی هست. کارت‌های موجود در پیوست شماره ۱ (سایز A5) را یکی یکی به بچه‌ها نشان دهید یا پاورپوینت شماره ۱ را اجرا کنید: ✓ روزی که هزار تا مهمان برای تبریک تولد آمدند. ✓ روزی که هم شادی داشت، هم غم ✓ روزی که خدا برای نوزاد اسم گذاشت. ✓ روزی که فرشته سلام‌رسان کارش را شروع کرد. فکر می‌کنید روز تولد چه کسی این اتفاقات افتاد؟... آخرین کارت را نشان دهید: ✓ سلام ما بر امام حسین علیه السلام		
مدت اجرا: ۵ دقیقه	محل اجرا: کلاس	مرحله: (۳)
	روش اجرا: ارائه مستقیم	مجری: مربی
سپس به بیان مایه‌ای مربوط به هر کارت بپردازید: ۱. روزی که خدا برای نوزاد اسم گذاشت: بچه‌ها، اسم شما را چه کسی انتخاب کرده؟... حالا بشنوید از ماجرای اسم گذاری امام حسین علیه السلام. وقتی امام سوم ما به دنیا آمدند، نوزاد را در پارچه سفیدی پیچیدند و خدمت پدر بزرگ بردند یعنی چه کسی؟... بله، پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. پیامبر، امام حسین علیه السلام را بغل کردند. به به چه پسری! در گوش راست ایشان اذان و در گوش چپ اقامه گفتند. کمی گذشت، فرشته خدای مهربان یعنی جناب جبرئیل از طرف خدا آمد. اول سلام خدا را رساند، بعد هم اسم نوزاد را از طرف خدا گفت، یعنی چه اسمی؟... بله حسین علیه السلام. [۱] کارت را بر پایه شمع طبقه اول کیک بپسبانید. (می‌توانید کارت‌ها را در اطراف کیک هم بپسبانید) ۲. روزی که هم شادی داشت، هم غم بچه‌ها وقتی قرار است نوزادی به دنیا بیاید اطرافیان مثل مادر و پدر و پدر بزرگ و چه احساسی دارند؟... بله.		

همه خوشحال اند، می خندند، به هم تبریک می گویند. اما تولد امام حسین علیه السلام یک فرقی داشت، وقتی ایشان به دنیا آمدند اطرافیان هم خوشحال بودند و هم ناراحت. چرا خوشحال بودند؟... باید هم خوشحال باشند. به دنیا آمدن یک بچه همیشه باعث شادی می شود چه برسد به اینکه این بچه قرار باشد امام سوم شیعه ها شود. اما چرا ناراحت بودند؟! راستش را بخواهید، بچه های خوب، جبرئیل برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یک خبر ناراحت کننده هم آورده بود. چیزی که باعث غم و غصه و گریه پدر و مادر و پدر بزرگ شده بود یعنی چه کسانی؟... حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله. خبری که مربوط به زمان بزرگی این بچه بود و آن خبر به شهادت رسیدن امام حسین علیه السلام بود. [۲]

همان اتفاق سخت و ناراحت کننده ای که در کربلا افتاد. این هم از ماجرای دومین کارت. کارت را بر پایه یکی دیگر از شمع های طبقه اول کیک پهبانید.

مدت اجرا: ۱۵ دقیقه	محل اجرا: کلاس	مرحله: (۴)
	روش اجرا: نمایش پاورپوینت و قصه گویی	مجری: مربی

دو کارت باقیمانده را مهرد نشان دهید:

۳. روزی که هزار تا مهمان برای تبریک تولد آمدند.

۴. روزی که فرشته سلام رسان کارش را شروع کرد.

و اما ماجرای این دو تا کارت چیه؟! اگر به قصه ی من گوش کنید متوجه می شوید.

برای بیان قصه از فیلم یا پاورپوینت فطرس استفاده کنید.

در یک شب آرام و مهتابی، آسمون پر از ستاره های ریز و درشت بود. ماه که زیبایی آسمونو چند برابر کرده بود مثل همیشه گشتی تو آسمون زد تا از حال ستاره ها باخبر بشه. ناگهان متوجه شد یکی از بچه ستاره ها سر جاش نیست از بقیه ستاره ها سراغشو گرفت.

اونا گفتند: ستاره سمت زمین رفته، ماه زیبا نگران شد. فوری باد مهربونو صدا زد و گفت: یه ستاره کوچولو سمت زمین رفته، زود پیداش کن و بیارش پیش من. باد مهربون هوهو کنان به سرعت سمت زمین رفت. گشت و گشت و گشت تا اینکه اونو کنار پنجره یه خونه پیدا کرد و به آسمون برگردوند.

ماه با دیدن بچه ستاره نفس راحتی کشید و گفت: بی خبر کجا رفته بودی؟

ستاره با خجالت گفت: ببخشید، راستش حوصله ام سر رفته بود. گفتم برم زمین یه گشتی بزنم. اتفاقاً از کنار پنجره یه خونه رد می شدم که صدای یه مامانو شنیدم که داشت برای بچه هاش قصه می گفت. منم همون جا کنار پنجره نشستم تا به قصه گوش کنم.

ماه با کنجکاوای پرسید: خب حالا چه قصه ای بود؟

ستاره با ناراحتی گفت: راستش به ته قصه رسیدم. درست سر دریاوردم. قصه یه فرشته بود، فرشته سلام رسان. مامانه داشت می گفت: از اون به بعد فرشته شد مأمور رسوندن سلام. هرکس که به امام حسین علیه السلام سلام کنه، هر جا که

باشه، دور یا نزدیک، فرشته سلام‌رسان، سلام او رو به امام حسین علیه السلام می‌رسونه. خیلی دلم می‌خواد قصه این فرشته رو بدونم.

با شنیدن اسم فرشته سلام‌رسان، ماه لبخندی زد و نورش بیشتر شد و گفت: من برات تعریف می‌کنم. این یکی از قشنگ‌ترین قصه‌هایی هست که من خیلی خوب بلدم. ماجرا مربوط میشه به سال‌ها پیش.

یه شب من و بقیه ستاره‌ها در حال نورافشانی و روشن کردن آسمون بودیم که یهو صدای خیلی عجیبی به گوشمون رسید. خوب گوش کردیم، صدایی شبیه صدای بال زدن یه عالمه پرنده بود خوب نگاه کردیم. باورمون نمی‌شد!

اونها پرنده نبودن. یه عالمه فرشته بودند که داشتن به سمت پایین پرواز می‌کردند؛ نه ده تا، نه صد تا، هزار تا فرشته بودن. وای که چقدر باشکوه بود اون صحنه! جلوتر از همه اون‌ها جبرئیل در حال پرواز بود، من دیگه چشم از

فرشته‌ها برنداشتم. می‌خواستم بینم کجا میرن و چه کاری دارن. اون‌ها از کوه‌ها عبور کردن، از دشت‌ها رد شدن، از دریاها هم گذاشتن تا اینکه به یه جزیره وسط دریا رسیدن. اون جا مدت کوتاهی توقف کردند و دوباره شروع

به حرکت کردند. خوب که نگاه کردم دیدم جبرئیل یه فرشته دیگه رو هم همراه خودش داره میبره. اون فرشته نمی‌تونست پرواز کنه انگار بالش شکسته بود. فهمیدم اون فرشته شکسته بال توی اون جزیره بوده و حالا جبرئیل

اونو همراه خودش داشت می‌برد. خیلی کنجکاو شده بودم. چشم از اون‌ها برنداشتم. فرشته‌ها رفتن و رفتن تا اینکه رسیدن به شهر مدینه، خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم. فرشته‌ها دسته دسته وارد خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌شدن. سعی کردم

کمی نزدیک‌تر بشم تا صداها رو بهتر بشنوم، فهمیدم نوه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا اومدن یعنی امام حسین علیه السلام و این همه فرشته از طرف خدا اومدن تا تولد امام حسین علیه السلام رو به پیامبر و خانواده‌شون تبریک بگن. فطرس هم وارد

خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شد.

ستاره کوچولو پرسید: فطرس؟ فطرس دیگه کیه؟ ماه گفت: همون فرشته شکسته‌بال دیگه، اسم اصلیش فطرسه. فطرس وارد شد اما خجالت می‌کشید جلو بره و خواسته‌شو به پیامبر بگه. پس جبرئیل جلو رفت و بعد از تبریک

تولد امام حسین علیه السلام به پیامبر گفت: یا رسول‌الله، این فرشته فطرسه. همراه ما این جا اومده تا از شما بخواد براش دعا کنید که بال شکسته‌اش خوب شه. پیامبر نگاهی به فطرس و بال شکسته‌اش کردند و با مهربونی فرمودند: به او بگو

بال شکسته‌اش رو به این نوزاد مبارک بکشه تا خدا به برکت امام حسین بالهاش رو به او برگردونه. فطرس با خوشحالی خودش رو به گهواره نزدیک کرد و بالش رو به امام حسین علیه السلام کشید. بال فطرس خوب خوب شد؛

انگار که اصلاً شکسته نبود. فطرس که باورش نمی‌شد با خوشحالی فریاد زد: خدایا، ممنون! همه دور فطرس و گهواره جمع شده بودند و به این نوزاد پرخیر و برکت نگاه می‌کردن.

فطرس آنقدر خوشحال و ذوق‌زده بود که نمی‌دونست چه کار کنه. ناگهان فکری به ذهنش رسید. بالهاش رو تکونی داد و گفت: یا رسول‌الله، من می‌دونم عده‌ای آدم بدکار امام حسین علیه السلام رو شهید می‌کنن. برای جبران این

لطف و نعمتی که از طرف امام حسین علیه السلام به من رسیده، هرکس در هر جایی ایشون رو زیارت کنه و به امام حسین علیه السلام سلام کنه، من سلامش رو خدمت امام می‌رسونم.

بعد فطرس که حالا دیگه شده بود فرشته سلام رسان به سمت آسمون پرواز کرد در حالی که با افتخار می گفت: من آزادشده‌ی امام حسینم. [۳]

ستاره کوچولو با شنیدن این داستان ذوق کرد و نورش زیادتر شد و گفت: چه جالب! اتفاقاً آخر داستان، اون مامانه و بچه‌هاش خیلی باادب دست به سینه گذاشتن و به امام حسین علیه السلام سلام کردن و گفتن: السلام علیک یا ابا عبدالله. ماه به ستاره کوچولو گفت: بیا نزدیک من... خوب گوش کن.... حالا صداهایی می شنوی... این صداها، صداها، آدم‌های مختلفی در گوشه و کنار این دنیا است که امام حسین علیه السلام رو دوست دارن و دارن به امام حسین علیه السلام سلام میدن. ستاره کوچولو چشم‌هاشو بست و خوب گوش داد. صداهای زیادی شنید. بعضی‌ها دور بودن، بعضی‌ها نزدیک، صدای بعضی‌ها مال آدم بزرگا بود، صدای بعضی‌ها مال بچه‌ها. بعد تو خیالش فطرس رو دید که با یه بغل سلام داره پرواز میکنه به سمت بالا بالاها.

کارت‌های باقیمانده را به یک پهبانید (های کارت «سلام ما بر امام حسین علیه السلام» در بالاترین طبقه کیک می‌باشد). تدریس خود را با یک سلام دسته‌جمعی فرمت امام حسین علیه السلام و شیرین کردن دهان بچه‌ها با شکلات به پایان برسانید.

مرحله: (۵)	محل اجرا: کلاس	مدت اجرا: ۱۰ دقیقه
مجری: مربی	روش اجرا: انجام کاربرگه	

کاربرگه شماره ۱ (سایز A5) و یک سری از کارت‌های موجود در کاربرگه شماره ۲ (سایز A5، پرینت در کاغذ رنگی) را در اختیار هر نفر قرار دهید و از بچه‌ها بخواهید جاهای خالی را پر کنند. سپس کارت‌ها را بپزند و بر روی ممل‌های در نظر گرفته شده در کاربرگه شماره ۱ پهبانند. سپس برگه را به منزل برده و به کمک رنگ‌آمیزی و کلاژ، کیک خود را تزئین کنند و جلسه بعد همراه خود بیاورند. فوب است برگه‌های بچه‌ها را مدتی به دیوار کلاس نصب کنید.

مرحله: (۶) متن درس	محل اجرا: کلاس	مدت اجرا: ۲۰ دقیقه
مجری: مربی	روش اجرا: روخوانی و انجام تمرینات کتاب	

دومین جلسه تدریس :

درس «دعای باران» [۴] از کتاب درسی در کلاس خوانده شود. بهتر است افعال مربوط به معنومین جهت حفظ احترام به شکل جمع خوانده شود.

بدانیم:

بچه‌ها، جمله‌ای را که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این قسمت آمده رنگ کنند. (هر کس حسین علیه السلام را دوست داشته باشد، خدا او را دوست دارد) و مربی مطالب زیر را در ادامه بیان کند:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امام حسین علیه السلام را خیلی دوست داشتند و می‌فرمودند: هر که حسین علیه السلام را دوست داشته باشد، خدا او را دوست دارد، من هم او را دوست دارم.

آدم‌های مؤمن این جوری هستند. همه‌شان امام حسین علیه السلام را دوست دارند. دیده‌اید که بعضی‌ها در خانه‌هایشان برای امام حسین علیه السلام مجلس روضه می‌گیرند، اینها به خاطر علاقه‌ای است که به امام دارند.

از آن طرف اگر کسی خدای ناکرده امام حسین علیه السلام را دوست نداشته باشد و دشمن ایشان باشد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم

دوستش ندارند، خدا هم دوستش ندارد، هیچ کدام از ما هم دوستش نداریم. چه آدم بدبختی!

فکر می کنم:

در این قسمت بیان کنید:

امام حسین علیه السلام از اهل بیت علیهم السلام بودند که پیش خدا خیلی عزیزند و آبرو دارند و به خاطر ایشان خدا زود باران فرستاد. یادتان هست در داستان حدیث کساء، گفتیم خدا زمین و آسمان و کل دنیا را به خاطر محبت و دوستی چه کسانی آفریده؟... بله، پنج تن علیهم السلام. حالا اگر امام حسین علیه السلام که جزء ۵ تن آل عبا هستند دعا کنند که خدا باران ببارد، معلوم است که باران می بارد. خدایا شکر که این همه نعمت را به خاطر امام حسین و اهل بیت به ما دادی.

مرحله: (۷)	محل اجرا: کلاس	مدت اجرا: ۲۰ دقیقه
مجری: مربی	روش اجرا: فعالیت	

برای بقیه تدریس، می توانید از فعالیت های موجود در ادامه طرح درس به دلفواه انتقاب نمایید.

مرحله: (۸) فعالیت های بیشتر	محل اجرا: کلاس
مجری: مربی	روش اجرا: فعالیت

- پاسخ های مربوط به کاربرگه شماره ۳ (سایز A5) را به صورت درهم روی تخته بنویسید. سپس به بچه ها فرصت دهید تا پاسخ هر قسمت را پیدا کرده و در کاربرگه بنویسند.
- بعد از هم خوانی قسمت مربوط به امام حسین علیه السلام در شعر «من بچه شیعه هستم»: (حسین که شاه دین است، امام سومین است، شهید کربلا شد، تربت او شفا شد، وقتی که آب می خورم، بر او سلام می کنم) از بچه ها پرسید: چه کنیم بعد از آب خوردن، سلام بر امام حسین علیه السلام و لعن دشمنان ایشان یادمان نرود؟ می توانید از بچه ها بخواهید به سلیقه خود کارت «سلام بر حسین، لعنت بر یزید» را درست کرده و به یخچال خانه نصب کنند.

- داستان:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در راهی می رفتند که چشمشان به امام حسین علیه السلام افتاد که همراه سایر کودکان بودند. با دیدن امام حسین علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران خودشان جلو افتادند و به سوی آن حضرت رفتند. امام حسین هم در حالی که می خندیدند، به این طرف و آن طرف می دویدند. بالاخره پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را گرفتند و بغل کردند و صورتشان را بوسیدند. سپس فرمودند که حسین از من است و من از حسینم، هر که حسین را دوست بدارد خدا او را دوست دارد. [۵]

- خوب است که در ایام عزاداری، بچه‌ها را با آداب شرکت در مراسم عزاداری آشنا کنید (می‌توانید از پاورپوینتی که در این زمینه تهیه شده و در CD ضمیمه موجود است نیز استفاده کنید):

امام حسین علیه السلام در چه ماهی به شهادت رسیدند؟... وقتی اسم ماه محرم را می‌شنوید یاد چی می‌افتید؟ ... آیا شما هم در مراسم عزاداری ماه محرم شرکت می‌کنید؟ ... می‌دانید که برای شرکت در مراسم عزاداری، باید چه آدابی را رعایت کرد؟ شما این آداب را بگویید تا من روی تخته بنویسم...

۱. پوشیدن لباس مشکی یا تیره و سر کردن روسری و حتی چادر ۲. رعایت کردن احترام مجلس روضه به این معنا که اگر دوستان را دیدیم با صدای بلند حرف نزنیم یا نخندیم یا مدام راه نرویم، بلکه می‌توانیم چند صلوات بفرستیم و ثوابش را تقدیم امام حسین علیه السلام کنیم. ۳. کمک در برقراری و اداره‌ی مجلس مثلاً اگر در خانه‌ی ما یا فامیلان روضه است، اگر کمکی می‌توانیم انجام دهیم مثل دادن آب، دستمال، خرما و...، ۴. احترام گذاشتن به افراد شرکت‌کننده در مجلس چون آنها مهمان امام حسین علیه السلام هستند. اگر جا کم است وسایلمان را جمع کنیم و به بقیه جا بدهیم و بدانیم که با انجام هریک از این کارها ثواب زیادی می‌بریم و خدا و امام زمان علیه السلام را از خود راضی می‌کنیم. ۵. بچه‌ها، یک رسم خیلی خوبی در مراسم عزاداری هست و آن این که آخر مجلس دعا می‌کنند. چه دعاهایی؟... شفای مریض‌ها، عاقبت بخیری، رفتن به زیارت، دعا برای فرج امام عصر علیه السلام و... حالا که امروز در مورد امام حسین علیه السلام و شهادت ایشان صحبت کردیم خیلی جا دارد که برای فرج امام زمان علیه السلام دعا کنیم. بیایید دست‌هایمان را به آسمان بلند کنیم و سه بار با صدای بلند بگوییم: «اللهم عجل لولیک الفرج». یعنی خدایا، فرج ولیّ خودت امام زمان را برسان... صلوات.

- در کاربرگه شماره ۴، عبارت «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ» طراحی شده که بچه‌ها در منزل آن را رنگ کنند و به دیوار اتاق نصب کنند و سعی کنند در ماه محرم هر روز آن را بخوانند.

- شعر فرشته شکسته بال:

غمگین ترین فرشته	در برگ برگ او هست	آن قدر پرکشیدند
بین فرشته‌ها بود	بوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله	تا عاقبت رسیدند
بال شکسته ای داشت	ما می رویم خوش حال	گهواره ی قشنگی
دردی که بی دوا بود	سوی رسول اکرم	در کنج خانه دیدند
بال شکسته اش را	داریم ما برایش	گهواره ای که پر بود
آهسته باز می کرد	تبریکی از خداوند	از عطر خوب گل‌ها

او با خدای خوبش	ما می بریم آن را	فطرس کشید بر آن
راز و نیاز می کرد	با غنچه های لبخند	آهسته بال خود را
با گریه در دعایش	وقتی فرشته‌ی وحی	باران اشک پر کرد
می گفت: «ای خدا جان	از بوی گل خبر داد	چشمان خسته اش را
بال شکسته آیا	آهسته شبنم اشک	یک باره گل شفا داد
دارد دوا و درمان؟	از چشم فطرس افتاد	بال شکسته اش را
در صبح سومین روز	او گفت: «بال من کاش	از بال های فطرس
از ماه خوب شعبان	از دردها رها بود	پرهای تازه روید
فطرس در آسمان دید	آن وقت جای من هم	در آسمان شادی
جشن است و نور باران	بین فرشته ها بود»	او پرکشید و خندید
صدها فرشته با هم	گفت: آن فرشته‌ی وحی	خندید و شادمان گفت:
پر می زدند خوش حال	راه مدینه دور است	ممنونم ای گل ناز!
فطرس ولی خودش بود	داروی تو در آن جاست	دادی به من دوباره
با درد و غصه‌ی بال	آن جا که شهر نور است	یک جفت بال پرواز
فطرس میان آن ها	این راه، کهکشان است	آن جا کنار آن گل
تا جبرئیل را دید	آن نقطه هم زمین است	پیغمبر خدا بود
او را صدا زد آرام	شهر مدینه در آن	بر روی شانه هایش
از جبرئیل پرسید:	مانند یک نگین است	خوشبوترین عبا بود
ای پیک مهربانی!	با ما بیا مدینه	فطرس به سوی او رفت
این جشن و شادی از چیست؟	شاید دلت شود باز	یک عهد دلنشین بست
نوری در آسمان است	این جا دلت گرفته	گفت: ای رسول اکرم!
این نور تازه از کیست؟	در آرزوی پرواز	قول و قرارم این است
گفت آن فرشته: این نور	فطرس نشست آرام	هر کس دهد سلامی
از سرزمین گل هاست	بربال دوستانش	بر نور چشم زهرا
آن جا گلی شکفته	بوی بهشت پر بود	با احترام بسیار
نامش حسین زهراست	در بال دوستانش	من می‌رسانم آن را

– شعر «مهر حسینی» را که در CD موجود است (پیوست شماره ۲، سایز A4)، در ایام محرم برای بچه‌ها پخش کنید تا با آن هم‌خوانی کنند.

۳) فعالیت منزل

زمان لازم:	زمان تحویل تکلیف:
متن تکلیف:	
توضیح تکلیف:	
بچه‌ها کاربرگ شماره ۱ را به منزل برده و کیک را رنگ آمیزی و تزئین کنند.	

۴) ارزشیابی

زمان لازم:	زمان اجرای ارزیابی:
روش ارزیابی:	
بچه‌ها را به گروه‌های دو نفره تقسیم کنید و کارت‌های پیوست ۳ (سایز A4) را تا زده و در یک ظرف بریزید تا هر گروه یک کارت از ظرف بردارد. سپس یک دقیقه زمان دهید تا جواب در گروه بررسی شود. شماره‌های سؤالات را به طور تصادفی اعلام کنید تا هر گروه با شنیدن شماره‌ی خود بایستد و یک نفر سؤال و نفر دوم جواب سؤال را بگوید. هدف از این فعالیت، برگزاری مسابقه بین بچه‌ها نیست؛ بلکه مرور مطالب مطرح شده در کلاس است.	
توضیح ارزیابی:	
دانشی:	
از بچه‌ها بخواهید تا به جملاتی که می‌خوانید گوش دهند و نام شخص مورد نظر را بگویند: ✓ کسی که روز تولد امام حسین علیه السلام نام نوزاد را از طرف خداوند برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد. ✓ کسی که بعد از تولد امام حسین علیه السلام در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپ اقامه گفت. ✓ کسی که خدا به خاطرش، بال‌های فطرس را به او برگرداند. ✓ کسی که سلام‌های دوستان امام حسین علیه السلام را به ایشان می‌رساند. ✓ کسی که دعا کرد در شهر کوفه باران ببارد. ✓ کسی که فطرس را با خود نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برد تا برای او دعا کنند.	
نگرشی:	
۱. محبت نسبت به امام حسین علیه السلام و یزاری از دشمنان آن حضرت در او افزایش یافته است. ۲. بیشتر از قبل، متوجه مقام والای اهل بیت علیهم السلام نزد خداوند شده است.	

مهارتی:

- می تواند از راه دور به امام حسین علیه السلام سلام دهد.

(۵) پیشنهاد برای مربی

(۶) منابع و مآخذ

[۱] جریان تولد و نامگذاری امام حسین علیه السلام

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶، ص ۳۱

قَالَتْ أَسْمَاءُ فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ حَوْلٍ وَلِدَ الْحُسَيْنُ عَ وَجَاءَ النَّبِيُّ ص فَقَالَ يَا أَسْمَاءُ هَلُمِّي ابْنِي فَدَفَعْتُهُ إِلَيْهِ فِي خِرْقَةٍ بَيْضَاءَ فَأَذَّنَ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَ أَقَامَ فِي الْيُسْرَى ... ثُمَّ هَبَطَ جِبْرِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ الْغُلَى الْغُلَى يُقَرِّتُكَ السَّلَامُ وَ يَقُولُ لَكَ عَلِيٌّ مِنْكَ كَهَارُونَ مِنْ مُوسَى سَمِّ ابْنَكَ هَذَا بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ قَالَ النَّبِيُّ ص وَ مَا اسْمُ ابْنِ هَارُونَ قَالَ شَبِيرٌ قَالَ النَّبِيُّ ص لِسَانِي عَرَبِيٌّ قَالَ جِبْرِيلُ ع سَمِّهِ الْحُسَيْنَ اسْمَاءً گويد: چون پس از يك سال، حضرت امام حسين علیه السلام متولد شد، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم. حضرت فرمودند: ای اسماء فرزند مرا بیاور. اسماء می گوید: آن حضرت را در جامه سفیدی پیچیده به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بردم، حضرت او را گرفتند و در دامن گذاشتند، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفتند.... پس جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! حق تعالی تو را سلام می رساند می فرماید: چون علی نسبت به تو به منزله هارون است نسبت به موسی، پس او را به نام پسر کوچک هارون کن که شبیر است. چون لغت تو عربی است او را حسین نام کن.

[۲] تبریک و بیان مصیبت در ولادت

الکافی، ج ۱، ص ۴۶۴، باب مولد الحسین بن علی علیه السلام

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ جِبْرِيلَ علیه السلام نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِمَوْلُودٍ يُؤَدُّ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ

امام صادق علیه السلام فرمودند: جبرئیل علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرود آمد و به آن حضرت عرض کرد که: یا محمد، خدا تو را بشارت می دهد به فرزندی که متولد می شود از حضرت فاطمه که امت تو بعد از تو، او را می کشند.

الأمالی (للصدوق)، ص ۱۳۶، المجلس الثامن و العشرون

عَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قَالَتْ: ... فَقَبِلَ النَّبِيُّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَيَّ وَ هُوَ يَبْكِي وَ يَقُولُ لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا هُمْ قَاتِلُونَكَ يَا بُنَيَّ يَقُولُهَا ثَلَاثًا صَفِيَّةُ دَخَرَ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ گويد: ... پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله میان دو چشمش را بوسیده، در حالی که می گریستند، او را به من دادند و سه بار فرمودند: خدا لعنت کند مردمی را که قاتل تو هستند ای پسر!

[۳] جریان شفا یافتن فطرس

الأمالی (للمصدق)، ص ۱۳۷، المجلس الثامن و العشرون

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شُعَيْبٍ الْمِثْمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع لَمَّا وَلِدَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَبْرِئِيلَ أَنْ يَهْبِطَ فِي أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَهْنِي رَسُولَ اللَّهِ ص مِنْ اللَّهِ وَ مِنْ جَبْرِئِيلَ قَالَ فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ فَمَرَّ عَلَى جَزِيرَةٍ فِي الْبَحْرِ فِيهَا مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ فُطْرُسُ كَانَ مِنَ الْحَمَلَةِ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي شَيْءٍ فَأَبْطَأَ عَلَيْهِ فَكَسَرَ جَنَاحَهُ وَ أَلْقَاهُ فِي تِلْكَ الْجَزِيرَةِ فَعَبَدَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهَا سَبْعِمِائَةَ عَامٍ حَتَّى وَلِدَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع

فَقَالَ الْمَلَكُ لِجَبْرِئِيلَ يَا جَبْرِئِيلُ أَيْنَ تُرِيدُ؟ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْعَمَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ بِنِعْمَةٍ فَبُعِثْتُ أَهْنُتُهُ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّي

فَقَالَ يَا جَبْرِئِيلُ أَهْمَلَنِي مَعَكَ لَعَلَّ مُحَمَّدًا ص يَدْعُو لِي قَالَ فَحَمَلَهُ

قَالَ فَلَمَّا دَخَلَ جَبْرِئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ ص هَنَأَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنْهُ وَ أَخْبَرَهُ بِحَالِ فُطْرُسَ

فَقَالَ النَّبِيُّ ص قُلْ لَهُ تَمَسَّحْ بِهَذَا الْمَوْلُودِ وَ عُدْ إِلَى مَكَانِكَ

قَالَ فَتَمَسَّحَ فُطْرُسُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع وَ ارْتَفَعَ

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا إِنَّ أُمْتُكَ سَتَقْتُلُهُ وَ لَهُ عَلَى مُكَافَأَةِ آلِ يَزُورَةَ زَائِرٌ إِلَّا أُبَلِّغْتُهُ عَنْهُ وَ لَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا أُبَلِّغْتُهُ سَلَامَهُ وَ لَا يُصَلِّيُ عَلَيْهِ مُصَلٍّ إِلَّا أُبَلِّغْتُهُ صَلَاتَهُ

امام صادق (ع) فرمودند: همین که امام حسین (ع) متولد شدند، جبرئیل به فرمان خداوند تبارک و تعالی با هزار فرشته جهت تهنیت و تبریک از جانب خدا و جبرئیل به محضر رسول الله (ص) شرفیاب شد. در هنگام نزول به جزیره‌ای در وسط دریا گذر نمود که فرشته‌ای به نام فطرس که خود از حاملان عرش الهی بود، به خاطر کندی کردن در اجرای فرمان پروردگار بالهایش شکسته و به صورت (تبعید) در آن زندگی می‌کرد. فطرس حدود هفتصد سال در تبعیدگاه عبادت پروردگار را به جا آورد تا امام حسین (ع) متولد شدند.

فطرس به جبرئیل عرض کرد: کجا می‌روی؟ جبرئیل گفت: خداوند تبارک و تعالی نعمتی به حضرت محمد (ص) کرامت فرموده و من مأمور شده‌ام که از طرف پروردگار و خودم به او مبارک باد بگویم.

فطرس گفت: ای جبرئیل مرا هم با خود ببر شاید که رسول الله (ص) برای من دعا کند. جبرئیل پذیرفت و او را با خود برداشت همین که به خدمت رسول خدا (ص) رسید ضمن عرض تبریک و تهنیت درباره‌ی تولد امام حسین (ع) شرح حال فطرس را برای پیامبر (ص) بیان کرد.

پیامبر (ص) فرمودند: به او بگو که خود را به این مولود مبارک بمالد و به مکان خود برگردد.

فطرس خود را به امام حسین (ع) مالید سلامتی خود را بازیافت و این کلمات را گفت و بالا رفت:

ای رسول خدا! به همین زودی امت تو این نوزاد را به شهادت می‌رسانند و من به جهت این نعمتی که از ناحیه‌ی او به من رسید به این صورت تلافی خواهم کرد که هر کس امام حسین (ع) را زیارت کند و یا سلام و صلوات بر او بفرستد آن را به آن حضرت می‌رسانم.

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۷۵، فصل فی معالی اموره ع

و در روایت دیگر آمده است:

وَ عَرَجَ إِلَى مَوْضِعِهِ وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ مِثْلِي وَ أَنَا عَتَاقَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةُ وَ جَدُّ أَحْمَدَ

فطرس در حالی که به آسمان بالا می‌رفت می‌گفت: کیست مثل من در حالی که من آزادشده‌ی حسین فرزند علی و فاطمه و جد بزرگوارش احمد (ع) هستم.

[۴] سند داستان «دعای باران»

عیون المعجزات، ص ۶۴، حدیثه مع حبابه الوالیبه

عَنِ الصَّادِقِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ جَاءَ أَهْلُ الْكُوفَةِ إِلَى عَلِيٍّ ع فَشَكُّوا إِلَيْهِ إِمْسَاكَ الْمَطَرِ وَ قَالُوا لَهُ اسْتَسْقِ لَنَا.

فَقَالَ لِلْحُسَيْنِ ع: قُمْ وَ اسْتَسْقِ

فَقَامَ وَ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَ قَالَ:

اللَّهُمَّ مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ وَ مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ أَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْنَا مِدْرَاراً وَ اسْقِنَا غَيْثاً مِغْزَاراً وَ اسْعِياً غَدَقاً مُجَلِّلاً سَحّاً سَفُوحاً فِجَاجاً تُنْفِسُ بِهِ

الضَّعْفَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُخَيِّ بِهِ الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

فَمَا فَرَّغَ ع مِنْ دُعَائِهِ حَتَّى غَاثَ اللَّهُ تَعَالَى غَيْثاً بَغْتَةً وَ أَقْبَلَ أَغْرَابِيٌّ مِنْ بَعْضِ نَوَاحِي الْكُوفَةِ فَقَالَ تَرَكْتُ الْأُودِيَةَ وَ الْآكَامَ يَمُوجُ بَعْضُهَا

فِي بَعْضٍ

امام صادق (ع) از پدرشان از جدشان نقل کرده اند که: اهل کوفه به حضور حضرت امیرالمؤمنین (ع) آمدند و از نیامدن باران به آن

بزرگوار شکایت کردند و گفتند: از خدا برای ما باران بخواه!

حضرت امیر به امام حسین فرمودند: برخیز از خدا برای ایشان باران بخواه!

امام حسین علیه السلام برخاست و پس از اینکه حمد و ثنای خدای را بجای آوردند و درود بر پیغمبر خدا فرستادند این دعا را

خواندند:

اللَّهُمَّ مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ وَ مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ أَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْنَا مِدْرَاراً وَ اسْقِنَا غَيْثاً مِغْزَاراً وَ اسْعِياً غَدَقاً مُجَلِّلاً سَحّاً سَفُوحاً فِجَاجاً تُنْفِسُ بِهِ

الضَّعْفَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُخَيِّ بِهِ الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

هنوز آن حضرت از دعا فارغ نشده بودند که فوراً باران رحمت حضرت پروردگار فرو ریخت و یک باده نشین از اطراف کوفه آمد و

گفت: دشت ها و جویبارها را دیدم که از آب موج می زدند!

[۵] کامل الزیارات، ص ۵۲، الباب الرابع عشر حب رسول الله ص الحسن و الحسين ع و الأمر بحبهما و ثواب حبهما

عَنْ يَعْلَى الْعَامِرِيِّ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَى طَعَامٍ دُعِيَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ بِحُسَيْنِ ع يَلْعَبُ مَعَ الصَّبِيَّانِ فَاسْتَقْبَلَهُ النَّبِيُّ ص أَمَامَ

الْقَوْمِ ثُمَّ بَسَطَ يَدَيْهِ فَطَفَّرَ الصَّبِيُّ هَاهُنَا مَرَّةً وَ هَاهُنَا مَرَّةً وَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُضَاحِكُهُ حَتَّى أَخَذَهُ فَجَعَلَ إِحْدَى يَدَيْهِ تَحْتَ ذَقْنِهِ وَ

الْأُخْرَى تَحْتَ قَفَائِهِ وَ وَضَعَ فَاهُ عَلَى فِيهِ وَ قَبَّلَهُ

ثُمَّ قَالَ حُسَيْنٌ مَنِيٌّ وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حُسَيْنٌ سَبِطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ

یعلی عامری نقل می کند که گفت: من از حضور پیغمبر عظیم الشأن اسلام خارج و متوجه آنجائی که مهمان بودم شدم. ناگاه دیدم

امام حسین علیه السلام با کودکان مشغول بازی است. پیغمبر خدا نزد آن جمعیت آمدند و دست های خود را باز کردند که امام حسین

را بگیرند، امام حسین از این طرف به آن طرف فرار می کردند، پیامبر خدا همچنان با او می خندید تا حسین (ع) را گرفتند، آنگاه یکی

از دستهای خود را زیر گلوی حسین و دست دیگر را پشت سر آن حضرت گرفتند و دهان خود را به دهان حسین نهادند و مشغول

بوسیدن گردیدند.

آنگاه فرمودند: حسین از من و من از حسین هستم. خدا دوست بدارد آن کسی را که حسین را دوست داشته باشد، حسین یکی از

اسباط (نوادگان) است.

(۷) دانش‌افزایی مربی

اطلاعات معرفت به اسم امام حسین علیه السلام

روز شیرین تولد: سوم شعبان سال چهارم پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

محل تولد: شهر مدینه در عربستان

نام: حسین

لقب: سید الشهداء (سرور شهیدان)

نام پدر: حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام

نام مادر: حضرت فاطمه علیها السلام

مدت امامت: ده سال

روز غم‌انگیز شهادت: دهم ماه محرم سال ۶۱ هجری (عاشورا) در سن ۵۷ سالگی

محل شهادت: سرزمین کربلا در عراق

محل دفن: شهر کربلا در عراق

نهاد
تربیت

۸) کاربرگ‌ها

کاربرگه شماره ۱

نام : _____

باران

۱۴ - دعای باران

The worksheet is designed for a rain prayer activity. It features a large cake at the bottom with five candles. Above the candles are five rectangular boxes for writing. The boxes are arranged in a 1-2-2 pattern. The top box is connected to the two boxes below it by a vertical line. The two boxes below that are connected to the two boxes below that by vertical lines. The boxes are decorated with stars and swirls. The candles are decorated with stars and swirls.

روزی که هزار تا مهمان برای توّلد آمدند.	روزی که برای نوزاد اسم گذاشت.	سلام ما بر امام حسین علیه السلام	روزی که هم شادی داشت، هم
روزی که فطرس شد فرشته‌ی			
روزی که هزار تا مهمان برای توّلد آمدند.	روزی که برای نوزاد اسم گذاشت.	سلام ما بر امام حسین علیه السلام	روزی که هم شادی داشت، هم
روزی که فطرس شد فرشته‌ی			
روزی که هزار تا مهمان برای توّلد آمدند.	روزی که برای نوزاد اسم گذاشت.	سلام ما بر امام حسین علیه السلام	روزی که هم شادی داشت، هم
روزی که فطرس شد فرشته‌ی			
روزی که هزار تا مهمان برای توّلد آمدند.	روزی که برای نوزاد اسم گذاشت.	سلام ما بر امام حسین علیه السلام	روزی که هم شادی داشت، هم
روزی که فطرس شد فرشته‌ی			
روزی که هزار تا مهمان برای توّلد آمدند.	روزی که برای نوزاد اسم گذاشت.	سلام ما بر امام حسین علیه السلام	روزی که هم شادی داشت، هم
روزی که فطرس شد فرشته‌ی			
روزی که هزار تا مهمان برای توّلد آمدند.	روزی که برای نوزاد اسم گذاشت.	سلام ما بر امام حسین علیه السلام	روزی که هم شادی داشت، هم
روزی که فطرس شد فرشته‌ی			
روزی که هزار تا مهمان برای توّلد آمدند.	روزی که برای نوزاد اسم گذاشت.	سلام ما بر امام حسین علیه السلام	روزی که هم شادی داشت، هم
روزی که فطرس شد فرشته‌ی			

کاربرگه شماره ۳ (اختیاری)

نام : _____

نام مادر _____

نام پدر _____

محل ولادت _____

تاریخ ولادت _____

محل دفن _____

تاریخ شهادت _____

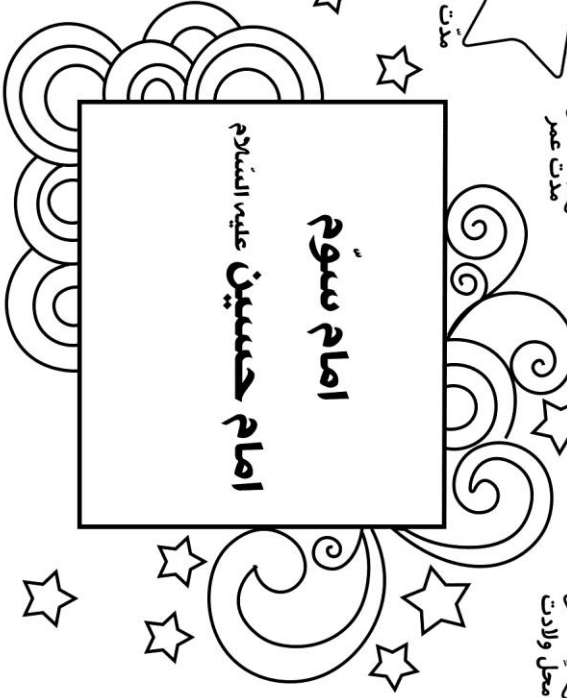
مدت امامت _____

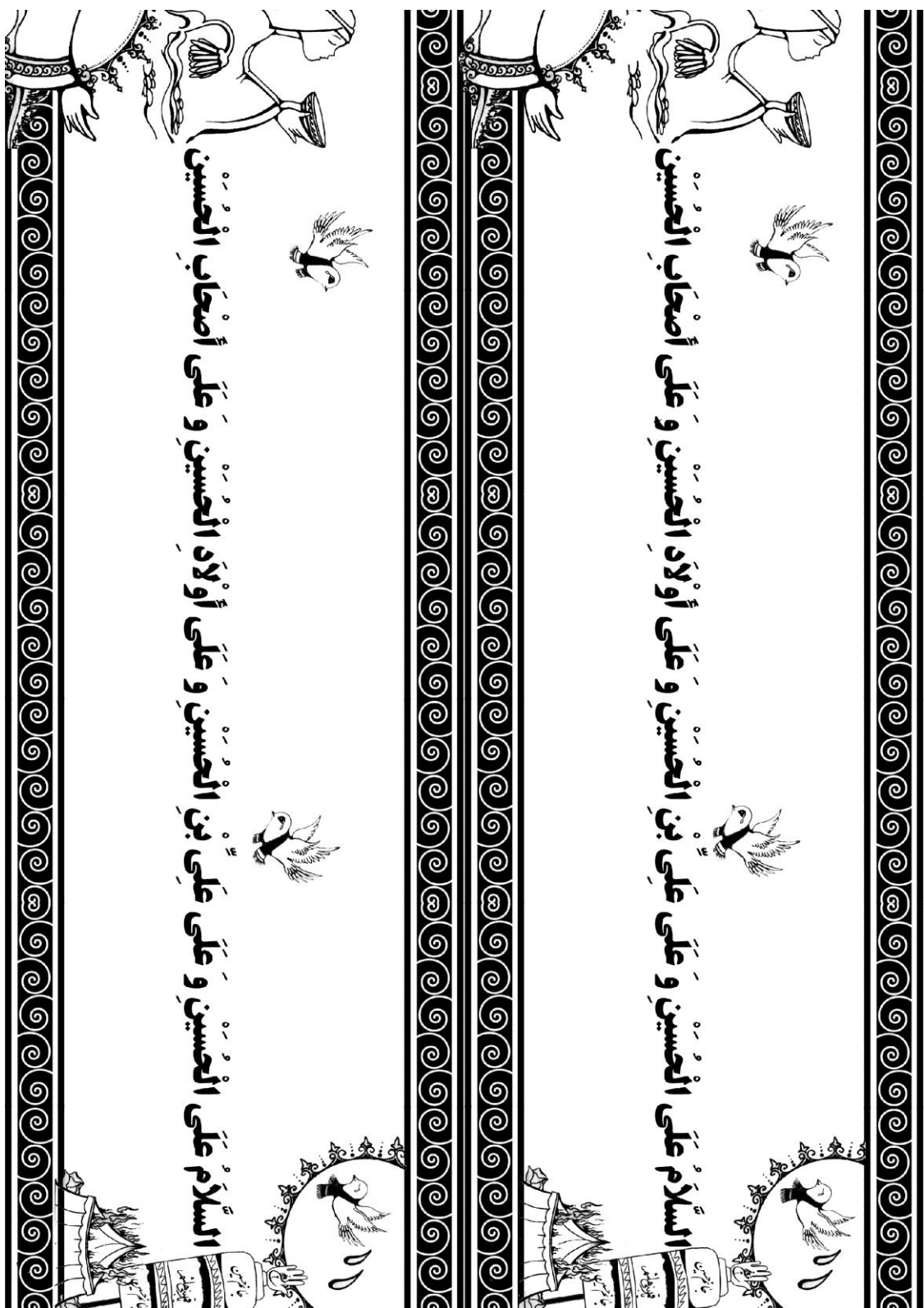
مدت عمر _____

۱۴ - دعای باران

امام حسین علیه السلام

امام سوم





۹ پیوست‌ها

پیوست شماره ۱

روزی که هزار تا مهمان برای تبریک تولّد آمدند.	روزی که خدا برای نوزاد اسم گذاشت.
--	--

روزی که هم شادی داشت، هم غم	روزی که فرشته‌ی سلام رسان کارش را شروع کرد.
--	--

سلامِ ما بر امام حسین علیه السّلام

۱۴- دعای باران



نام :

مهر حسینی

کاش می شد کنار شش گوشه با گریه جون بدیم
یاد زینبت بیایم سینه زنان تو قتلگاه
بخونیم با خواهرت
چرا زان دُر نایابت ندادند) ۲

مقتل دخترت با چشم گریون بینم
بزنم بر سر و رو به یاد اون طشت طلا
بخونم دور سرت
ای پدر ای پدر
ای پدر ای پدر) ۲

بزنم به سینه مو و همش بگم حسین حسین
بزنم ناله ز دل بگم عمو بیا بیا
بخونم با گریه من
عمو به فریادم برس) ۲

بشینم کنار مرقد شریف اکبرت
مثل تو به سر زنان بگم به آوای جلی
بخونم برای تو
علی را بر در خیمه رسانید) ۲

توی هر گذر برای بچه هات گریه کنم
بزنم سینه کنار قتلگاه اصغرت
به یاد طفل رباب
حرمله با تیر و کمان آمده) ۲

دم کفین بشینم روضه ی عباس بخونیم
روی سینه یاد نوحه ی سکینه بزنیم
بگیریم با گریه دم
علمدار نیامد علمدار نیامد
علمدار نیامد علمدار نیامد) ۳

کاش می شد تو کربلا مهرمون نشون بدیم
کاش می شد با دسته ی سینه زنا با اشک و آه
برا جسم بی سرت
(اگر کشتند چرا آبت ندادند

دوست دارم پر بکشم توی خرابه بشینم
برای بی کسی رقیه تو شام بلا
همنوا با دخترت
(بس که دویدم عقب قافله
پای من از ره شده پر آبله

دوست دارم پای برهنه توی بین الحرمین
یاد لحظه های آخر یتیم مجتبی
یاد قاسم حسن
(افتادم از پشت فرس

دوست دارم گریه کنم پایین پای پیکرت
بخونم به یاد جسم اربا اربای علی
توی کربلای تو
(جوانان بنی هاشم بیاید

چی می شد میون اون صحن و سرا گریه کنم
بخونم روضه به یاد لاله های پرپر
بخونم با تب و تاب
(اصغر من کی به زبان آمده

دلمون می خواد که با دلی پر احساس بخونیم
یاد دستای جدا بر سر و سینه بزنیم
یاد سقای حرم
(ای اهل حرم میر و علمدار نیامد
سقای حسین سید و سالار نیامد

۱. روز تولّد امام حسین علیه السلام چه کسانی برای تبریک تولّد آمدند؟

۲. چرا وقتی امام حسین علیه السلام به دنیا آمدند، اطرافیان هم خوشحال بودند هم ناراحت؟

۳. با توجه به این شعر،

روز تولّد امام حسین علیه السلام چه زمانی است؟
در صبح سومین روز از ماه خوب شعبان
فطرس در آسمان دید جشن است و نورباران

۴. چه کسی نام امام حسین علیه السلام را انتخاب کرد؟ چگونه؟

۵. پیامبر صلی الله علیه و آله برای خوب شدن بال فطرس چه راهی به او پیشنهاد کردند؟

۶. وقتی بال فطرس خوب شد چه تصمیمی گرفت؟

۷. به بچه ها بگویید:
همه رو به قبله بایستید
حالا همه بگویید: السّلام علیک یا ابا عبدالله
سلام ما را چه کسی خدمت امام حسین علیه السلام می‌رساند؟

۸. مردم شهر کوفه برای درخواست باران در خانه چه کسی رفتند؟

۹. چه کسی برای مردم شهر
کوفه دعا کرد تا باران ببارد؟

۱۰. نام پدر، مادر و برادر بزرگ‌تر
امام حسین علیه السلام چیست؟

۱۱. از بچه‌ها بخواهید سه بار با صدای
بلند بگویند: یا حسین
سپس یک صلوات به امام حسین علیه السلام
تقدیم کنند.

۱۲. این جمله را کامل کنید:
هر کس امام حسین علیه السلام را دوست
داشته باشد، خدا _____

۱۳. نام دشمن امام حسین علیه السلام چیست؟
از بچه‌ها بخواهید همه با هم بگویند:
سلام بر حسین، لعنت بر یزید

۱۴. این شعر را برای دوستانتان بخوانید:
فطرس به سوی او رفت یک عهد دلنشین بست
گفت: ای رسول اکرم قول و قرارم این است
هر کس دهد سلامی بر نور چشم زهرا
با احترام بسیار من می‌رسانم آن را

(۱۰) نظرات کارشناسی مربی

مربی محترم، به منظور ارتقای کیفیت طرح درس‌ها و بهره‌مندی از نظرات کارشناسی جنابعالی خواهشمندیم با پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر ما را یاری فرمایید.

۱. این طرح درس را در چند جلسه اجرا کردید؟

.....

۲. آیا برای اجرای این طرح درس، به پیش‌نیازی هم احتیاج پیدا کردید؟

.....

۳. اهداف این طرح درس در کلاس شما تا چه حد محقق شده است؟

.....

۴. آیا قسمتی از طرح درس بوده که به نظر شما سنگین‌تر از سطح درک دانش‌آموزان بوده و نیاز به توضیح بیشتر داشته باشد؟

.....

۵. جای چه مطالبی را در این طرح درس خالی دیدید؟

.....

۶. چگونه میزان یادگیری دانش‌آموزان خود را مورد ارزیابی قرار دادید؟

.....

۷. آیا برای این درس کاربرگه جداگانه‌ای هم طراحی کردید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ لطفاً نمونه آن را ضمیمه پرسشنامه کنید.

.....

۸. آیا قسمت منابع و دانش‌افزایی مربی در این طرح درس، اطلاعات مورد نیاز شما را تأمین کرد؟ چه کمبودهایی داشت؟

.....

۹. چه نکات دیگری به منظور بهبود کیفیت این طرح درس به نظر شما می‌رسد؟

.....

.....

.....